

جامعه مدینه در عصر نبوی ﷺ

عبدالله عبدالعزيز بن ادريس

مترجم: دکتر شهلا بختیاری

زمستان ۱۳۹۲

ابن‌ادریس، عبدالله

جامعه مدینه در عصر نبوی(ص) / تألیف: عبدالله عبدالعزیز بن ادريس؛ مترجم شهلا بختیاری. - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶. هشت، ۳۰۴ ص. نقشه. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۲۱. تاریخ: ۲۹) سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۱۰۶۷. الهیات (تاریخ و تمدن ملل اسلامی)؛ ۲۵)

ISBN: 978-964-7788-64-9

بها: ۱۹۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۲۴۹] - ۲۵۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

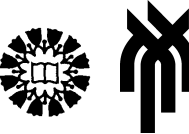
ج. ۱۳۸۸. ج. ۳. ۱۳۹۲، بها: ۷۸۰۰۰ ریال.

۱. مدینه - تاریخ. ۲. مدینه - اوضاع اجتماعی - قرن ۱ ق. الف. بختیاری، شهلا، ۱۳۴۶ - مترجم. ب. خانجانی، قاسم، ویراستار. ج. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). د. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۹۳۵/۸۰۲

DS ۲۴۸ / الف ۴ م

م ۸۵ - ۵۰۲۷۰



جامعه مدینه در عصر نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

تألیف: عبدالله عبدالعزیز بن ادريس

مترجم: دکتر شهلا بختیاری

«پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)»

ویراستار علمی: قاسم خانجانی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ سوم: زمستان ۱۳۹۲

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۷۸۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)، شماره:

۰۳۰۹۰۳۲۸ تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن ۰۲۶۰۰۶۶۴ و ۰۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

تهران: بزرگراه جلال آل‌احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ‌گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،

تلفن: ۰۳-۴۴۲۴۶۲۵۰، شماره: ۴۴۲۴۸۷۷۷ □ تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹ - تلفن: ۰۶۶۴۰۸۱۲۰، شماره: ۰۶۶۴۰۵۶۷۸

Website: www.samt.ac.ir

Email: info@samt.ac.ir



عکس امام

مطالعه و تحقیق در تاریخ اسلام راهگشای ملت در پیشبرد انقلاب [است] در هر صورت ماها الان اینجا هستیم باید خودمان را بسازیم. اگر یکی ملتی بخواهد مقاومت کند برای یک حرفِ حقی، باید از تاریخ استفاده کند. از تاریخ اسلام استفاده کنید، ببینید که در تاریخ اسلام چه گذشته و اینکه گذشته سرمشق است از برای ما.

صحفیه نور، ج ۴، ص ۱۳

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی، و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) نوزدهمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب **جامعه مدینه در عصر نبوی (ص)** به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

کتاب حاضر به وسیله گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به عنوان منبع درسی برای دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته الهیات (تاریخ و تمدن ملل اسلامی) و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات تاریخی تهیه شده است.

فهرست مطالب

مقدمه مترجم	۱
مقدمه مؤلف	۳

باب اول: گروههای ساکن در مدینه منوره در عصر نبوی

فصل اول: بررسیهای زمینه‌ای

۱. جغرافیای تاریخی مدینه و اشاره به نامهای آن	۲۰
نامهای مدینه	۲۵
۲. اهمیت جایگاه اقتصادی مدینه میان شمال و جنوب	۲۹

فصل دوم: گروههای ساکن در مدینه پیش از اسلام و پس از آن

۱. یهود	۳۳
ادیان غیر یهودی در مدینه	۵۷
۲. اوس و خزرج و هم پیمانان عرب آنها	۶۰
۳. موالی و بردگان	۷۹
۴. قریش و ثقیف	۸۶
۵. مهاجران قبایل و گروههای عرب	۹۶
آمار تقریبی همه مهاجران در مدینه	۹۷
فعالیت گروههای مهاجر	۱۰۳

فصل سوم: وضع عمومی ساکنان مدینه پس از هجرت

۱۰۷ بخشهای اجتماعی عام
۱۰۷ دعوت به هجرت
۱۰۹ آمادگی روانی و سیاسی برای گسترش اسلام
۱۱۰ سازگار شدن مهاجران با وضع مدینه
۱۱۲ مشکلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از هجرت
۱۱۴ همکاری و کوشش در کار
۱۱۵ پیوندها و همکاری در جامعه مدینه و نشانه‌های آن
۱۱۷ روابط اجتماعی ساکنان
۱۱۷ پیوندهای خویشاوندی سببی میان قریش و انصار
۱۱۸ روابط و پیوندهای خویشاوندی سببی میان قریش و قبایل مهاجر
۱۲۰ پیوندهای اجتماعی انصار با دیگر مهاجران
۱۲۱ مجالس و انجمنهای عمومی

باب دوم: تنظیم سیاسی، اداری و اجتماعی قبایل در عصر نبوی

فصل اول: مراحل تنظیم

۱۲۴ مقدمه‌ای درباره مراحل تنظیم
۱۲۵ ۱. نظام عشیره‌ای
۱۲۶ ۲. نظام گروهی
۱۲۷ ۳. عصبیت وطن یا سرزمین
۱۲۷ ۱. نظام عشیره‌ای
۱۲۷ الف - اجرای تنظیم عشیره‌ای
۱۳۴ ب - رئیس در نظام عشیره‌ای و کار نقیب
۱۳۷ ۲. نظام گروهی
۱۳۷ ابزارها و کارکردهای نظام گروهی
۱۳۷ الف - نماز خواندن در مسجد جامع وسط مدینه

۱۴۰	ب - برادری
۱۵۰	ج - رابطه خویشاوندی
۱۵۲	د - پیوندهای عمومی مسلمانان
۱۵۴	۳. عصبیت وطن یا سرزمین
۱۵۴	الف - انتساب قبایل به زادگاه خود
۱۵۵	ب - جانشین گماردن بر شهرها و مناطق

فصل دوم: ساختار شهری مدینه و محلات قبایل در عصر نبوی

۱۵۹	۱. آبادی مدینه و محله‌های انصار در مدینه پیش از هجرت و پس از آن
۱۷۶	۲. دلایل انتخاب مرکز مدینه و اصالت پی‌ریزی آن
۱۸۰	۳. تحول در ساختار محله‌های مدینه و سکونت مهاجران با اشاره به مساحت شهر
۱۸۹	۴. گوشه‌ای از تأثیر ساختار شهری مدینه بر سایر شهرها

باب سوم: حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مدینه در عصر نبوی

فصل اول: نشانه‌های زندگی اجتماعی

۱۹۶	۱. وضع معیشت اجتماعی با اشاره‌ای کوتاه به اهل صفه و منازل وفود
۲۰۱	صَّقه
۲۰۳	منازل وفود
۲۰۵	۲. اتکای مردم مدینه بر خادمان و موالی در گذران امور

فصل دوم: وضع اقتصادی مدینه در عصر نبوی

۲۰۹	۱. زراعت
۲۱۴	۲. تجارت
۲۱۴	الف - بازارهای تجاری مدینه
۲۱۹	ب - مبادلات تجاری میان مدینه و خارج
۲۲۲	ج - پایه‌های روابط تجاری

۲۲۲ ۱. یول
۲۲۵ ۲. وزن‌ها و پیمان‌ها
۲۲۶ ۳. مشاغل و حرفه‌ها

فصل سوم: برخی آداب اجتماعی جامعه مدینه در عصر نبوی در بخش‌های علمی و فرهنگی

۲۳۲ ۱. آموزش
۲۳۵ ۲. نقش شعر در گسترش دعوت اسلام
۲۳۸ ۳. آداب موسیقی
۲۳۹ ۴. ورزش اسب‌دوانی و شکار
۲۴۰ ۵. پوشش
۲۴۳ ۶. نشانه‌های ظاهری صحابه
۲۴۴ ۷. خانه و خانواده
۲۴۷ ۸. غذاها و نوشیدنی‌ها

فهرست منابع

۲۴۹ نسخه‌های خطی
۲۵۰ کتابهای چاپ‌شده
۲۶۰ نمایه
۲۹۵ ضمائم

مقدمه مترجم

رسالت پیامبر خدا(ص) تحولی شگرف در همه جوانب عصر خویش و دیگر عصرها پدید آورد. با اینکه دعوت از قریشیان حدود سیزده سال طول کشید، ولی سرانجام پیامبر خدا(ص) به این نتیجه رسید که برای پشتیبانی از دعوت جدید خود، باید کسانی جز قریشیان را به دین خدا فراخواند. در همین زمان مردم یثرب که در گذشته تاریخی خود تمدن را تجربه کرده بودند، التیام دردها و پاسخ نیازهای خود را در وجود پیامبر و دعوت او یافتند. بدین سبب او را به یثرب دعوت کردند و شهرشان را به نام شهر پیامبر (مدینه‌النبی) نامیدند. از این به بعد عرب مدینه یاری دین خدا را به عهده گرفتند و انصار نامیده شدند. مدینه به شهری تبدیل شد که نخستین تجربه حکومت اسلامی در آن ظهور یافت و پیامبر(ص) در کنار مسئولیت رسالت، عهده‌دار رهبری حکومت اسلامی نیز شد.

این امر تحولات بسیاری در مدینه پدید آورد و آن شهر را به مرکزی درخور توجه در جزیره العرب تبدیل کرد. تدبیرهای حکیمانه پیامبر(ص) برای کاهش مشکلات و جلوگیری از بروز تنشها، الگویی عملی برای دوره‌های بعد و شهرهای دیگر شد. مشکل تنوع جمعیتی ناشی از گروههای متفاوت ساکن در مدینه، با تنظیمهای مرحله‌ای پایان یافت. پیامبر(ص) عرب را از عصبیت قبیله‌ای دور کرد و به جای آن دینداری را در آنان به وجود آورد، سپس محله‌های شهر را بررسی کرد و مرکزیت آن را به مسجدی انتقال داد که به هیچ طایفه و قبیله‌ای منتسب نبود.

با تأکید پیامبر(ص) و اسلام بر لزوم تأمین معیشت مردم، نشاط اقتصادی با بهره‌گیری از توانمندی‌های مدینه، به‌ویژه قرار گرفتن آن بر سر راه بازرگانی جزیره العرب، مردم را به شغلها و حرفه‌های متنوعی کشاند و در امور اقتصادی تحولی شگرف به وجود آورد.

توجه کردن به جنبه‌های گوناگون تاریخ اسلام از منظرهای متفاوت، همراه تاریخ سیاسی، از ویژگی‌های بارز کتاب جامعه مدینه در عصر نبوی(ص) است. عبدالله العزیز بن ادیس مؤلف محترم کتاب کوشیده است تا از زوایای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، دوره ده ساله رونق مدینه در عهد پیامبر(ص) را برنمایاند. این هدف با مراجعه به منابع بسیار تاریخ اسلام

و نوشته‌های مورخان مسلمان و غور در آنها سبب جمع شدن مواد لازم برای نوشتن کتابی پیرامون جامعه مدینه شده است، تدوین و تألیف این کتاب نیازمند عزمی استوار و پشتکاری فراوان بوده که مؤلف، به خوبی از عهده آن برآمده است.

ترجمه این کتاب به زبان فارسی امکان آشنایی بیشتر مردم مسلمان ایران و علاقه‌مندان به بررسی‌های علمی مسائل تاریخ اسلام را فراهم کرده و مشتاقان به آگاهی از تدبیرهای حکیمانه پیامبر(ص) را با اقدامات ایشان جهت پی‌ریزی و استوار ساختن نخستین حکومت اسلامی آشنا خواهد کرد. بدین منظور این ترجمه را به جامعه علمی کشور و همه دوستان رسول خدا(ص) تقدیم می‌کنم؛ باشد که آثار معنوی آن ما را به توجه عمیق و عالمانه به تلاشهای پیامبر اعظم(ص) رهنمون شود.

بر خود لازم می‌دانم از تلاش همه عزیزانی که مرا در این کار یاری کردند، تشکر و قدردانی نمایم.

تهران - ۱۳۸۵

شهلا بختیاری

مقدمه مؤلف

محمد(ص) رسول خدا، از زمانی که از سوی خداوند متعال به پیامبری مبعوث شد، نزدیک به سیزده سال در مکه ماند تا بنا بر وظیفه بشارت و بیم، مردم را به دین خدا فراخواند. او در این دوره برای گسترش دعوت خود در میان مردم، شتاب نکرد، تا آنان دعوت نوین را به درستی دریابند و از آن رویگردان نشوند.

در آن زمان وضعیت دینی و اقتصادی مکه چندان آماده نبود که بزرگان شهر دعوت محمد(ص) را که مغایر با نظم، عرف و اعتقادات حاکم بر درون و بیرون مکه بود، بپذیرند. آنان دریافته بودند که این دعوت، به زودی ریاست دینی و اقتصادی بر بیشتر قبایل عرب را از آنان خواهد گرفت. قبایلی که به علت نفوذ قوی قریش به عنوان اهل حرم و ساکنان مکه و نیز جایگاه والای کعبه و مناسک حج به آنان بخشیده بود، پیرو قریش بودند. افزون بر این، قریش نقش ویژه‌ای در حفظ تجارت بیشتر قبایل جزیره العرب و شکوفایی و پایداری آن داشت. این به سبب پیشی گرفتن آنان در بستن پیمانهای دولتی برای استمرار تجارت بین جزیره العرب و خارج از آن بود که از طریق حمایت از کاروانها هنگام گذر از میان قبایل و دولتهای اطراف که با نام ایلاف (دوستی‌ها) و رحلات (کوچه‌های زمستانی و تابستانی) شناخته می‌شدند، صورت می‌گرفت.

با اینکه مشرکان قریش در ابتدا از دعوت محمد(ص) آگاه شده بودند، به آن توجه نکرده و اهمیت زیادی ندادند، اما پس از آن، هنگامی که پیامبر(ص) دعوت خود را آشکار کرد، آنان دریافتند که دعوت به اسلام، تهدیدی برای نفوذ و برتری آنان در مکه است؛ به‌ویژه که یکی از پایه‌های اساسی اسلام، پرستش خداوند یگانه و تحقیر چیزهایی بود که آنان همراه با خداوند متعال می‌پرستیدند. افزون بر آن، دعوت اسلامی حقوق انسانی را تضمین می‌کرد و برابری میان انسانها را در حقوق و واجبات امکان‌پذیر می‌ساخت.

انتشار اصول اسلام در جامعه مکه، برای اسلام آوردن بسیاری از موالی، بردگان و جوانان آرمانگرا بیشترین اثر را داشت تا از روی میل و ایمان و اعتقاد اسلام را بپذیرند. همچنین بر خشم و کینه بزرگان قریش افزود و آنان بر پیروان این دعوت خشم گرفتند و آنان را بسیار آزدند. تنها کسانی از این آزار و اذیت مستثنا بودند که دارای حامیان و پشتیبانان نیرومند بودند؛ چنین کسانی تنها از بخشی از آزار و اذیتهای قریش برکنار بودند. هنگامی که پیامبر(ص) شدت آزار و رنج یاران ستم‌دیده‌اش را دریافت، دستور مهاجرت به حبشه را، که سرزمین نجاشی مسیحی بود، صادر کرد.

این مهاجرت در جزیره العرب و شهرهای حبشه بسیار تأثیرگذار بود و اهمیت و ابعاد بزرگی یافت، به گونه‌ای که امکان تبلیغ مناسب برای اسلام را در یکی از مناطق جهان مسیحی فراهم کرد. همچنین به موقعیت پیامبر(ص) و یارانش اهمیت سیاسی بخشید و سبب شناسایی رهبر امت اسلامی از سوی حکومتها شد.

پیش‌تر بیان شد که وضعیت دینی، اقتصادی و اجتماعی مکه هم‌زمان با آغاز انتشار اسلام آمادگی یا توانایی پذیرفتن دعوت اسلام را نداشت؛ از این رو، پیامبر(ص) به عنوان دعوتگر همه جهانیان، از جایگاهی برتر سخن می‌گفت و برای گسترش دعوت خود زمینه‌سازی می‌کرد و امکان بنای حکومت نوین اسلامی را بر پایه و اساسی نیرومند و پایدار تضمین می‌کرد. او در موسم حج، خود را به افراد قبایل معرفی می‌نمود و از آنها دعوت می‌کرد که اسلام را بپذیرند و آن را یاری دهند که خیر دنیا و آخرت در آن است، اما از آنان جز سربلندی و تمسخر چیزی دریافت نکرد. اندکی پیش از بعثت، قوم عرب در سراسر جزیره العرب به کارهایی اهتمام داشتند که هدف آنها تصحیح عقاید و طریقه ایمان به خداوند بود. از آن جمله اعتقاد اعراب به نزدیکی آمدن پیامبر مورد انتظار، با نام محمد، بود. به همین سبب در دوران جاهلی بسیاری از اعراب برای تبرک جستن به نام او و علاقه‌مندی به اینکه فرزندشان همان پیامبر منتظر باشد، آنها را «محمد» می‌نامیدند. شاید بتوان از این امر ماهیت اطاعت و پیروی اعراب از نفوذ قریش و تأثیر آنان بر بیشتر قبایل را دریافت که سبب شد بدون دلیل و تفکر، تا زمانی که قریش به پیامبر(ص) ایمان نیاورده بودند، قبایل دیگر نیز محمد(ص) را یاری نکرده و به دعوت او ایمان نیاورند. این وضع، در مکه زیاد طول نکشید. خداوند برای پیامبر(ص) مقدّر کرد که حدود سال دهم بعثت، گروهی از مردم یثرب (اوس و خزرج) در موسم حج نزد او آمدند؛ پیامبر(ص) نیز اسلام را به آنان عرضه

کرد و آنان پذیرای این آیین شدند. این گروه سپس به یثرب بازگشتند و درباره اسلام سخن گفتند. افرادی از اوس و خزرج سخن آنان را پذیرفتند. از آن پس، اسلام به سرعت در یثرب گسترش یافت، تا آنجا که گفته می‌شود خانه‌ای نبود که در آن حرف رسول خدا(ص) نباشد. بیشتر مورخان مسلمان، مانند ابن اسحاق، دلیل اقبال سریع اوس و خزرج به پذیرش اسلام را با عوامل اجتماعی مرتبط می‌دانند. در ماهیت ترکیب ساکنان یثرب، از جمله عربها و یهودیان، رقابتی بر سر حاکمیت وجود داشت. یهودیان، که در آن هنگام وضع پایداری نداشتند، به سبب ضعف نسبی در برابر اوس و خزرج نگران مرکزیت خود و ثروتهای بسیارشان بودند. افزون بر آن، اخباری مبنی بر ایمان اوس و خزرج به آمدن پیامبر موعود وجود داشت. یهود به اعتبار آنکه خود را اهل کتاب و دانش، و اوس و خزرج را بت پرست می‌شمرد، به هنگام احساس قدرت، آنان را تهدید می‌کرد که از پیامبر موعود پیروی کرده و با کمک وی، آنان را می‌کشد.

این وضعیت حاکم در یثرب به روی آوردن سریع اوس و خزرج به اسلام و پذیرفتن آن کمک کرد، به گونه ای که در مدتی کمتر از سه سال، اسلام میان آنان گسترش یافت. آنان در آن دوره به فراگیری قرآن و احکام دین بسیار علاقه مند بودند. بدین سبب در سال سیزدهم بعثت برای حج‌گزاری با پیامبر(ص)، در موسم حج به مکه رفتند و به بیعت با پیامبر(ص) و دعوت از او و یارانش مصمم شدند، تا با ایمان و فرمانبرداری، دین پروردگار را در مدینه گسترش دهند. این بیعت که با نام بیعت عقبه کبرا شناخته می‌شود، به هجرت پیامبر(ص) و یارانش به یثرب (مدینه) انجامید. در نتیجه این هجرت، نخستین جامعه اسلامی بر اساس دین جدید، تعالیم و قوانین آن پدید آمد.

از خوش اقبالی من، رأی موافق استاد راهنمایم، دکتر عبدالرحمان طیب انصاری، بود با آنچه فکرم را به خود مشغول داشته بود که همانا اهمیت پرداختن به موضوع جامعه مدینه منوره از آغاز هجرت پیامبر(ص) تا وفات آن حضرت بود. این امر از اعتقاد ژرف به این نکته نشئت می‌گرفت که: قوانین و پی‌ریزی شهری مدینه اسلامی، تصویر و الگوی اصلی برای جوامع اسلامی بود که پس از فتوحات مسلمانان تشکیل می‌شد؛ اگر در برخی مسائل نیز اختلافی وجود داشت، به حساب نمی‌آمد و تغییرهای ظاهری، مربوط به اصل موضوع نبود. از سوی دیگر، دیده می‌شود که دستیابی به شناخت حقیقی از گرد آمدن فرهنگ و تمدن نزد ملل مسلمان، به‌ویژه شناخت پایه‌ها و پی‌گیری مراحل تکوین آن، بدون آگاهی از

چگونگی و ماهیت به وجود آمدن آن رونق یادشده به دست نمی آید. از این دیدگاه، موضوع این نوشتار از موضوعات جدید و بکر برای گروه تاریخ در دانشکده ادبیات شمرده شد و ما خواستیم موضوع بحثمان، برای دریافت درجه دکتری در تاریخ اسلام، در خصوص بررسی جامعه مدینه منوره در عصر پیامبر(ص) از نظر قوانین اداری، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی باشد. از خداوند بزرگ خواستاریم که این کوشش فروتنانه، سرآغاز رقابتی سخت در راه یک بحث علمی و سرحلقه‌ای استوار و خجسته بر پایه علمی و نیز موضوعی در سلسله نگارندهای حوزه تاریخ اسلام باشد.

شیوه و مراحل نگارش این نوشتار سه مرحله داشت: نخست، مرحله مطالعه کلی درباره موضوع یا مسائل مرتبط به آن. مرحله دوم، مطالعه در موضوعهای مشخص و محدود که به اصل بحث و استواری آن کمک می‌کرد. برای رسیدن به این هدف، آنچه را مفید و خوب یافتیم، جمع‌آوری و فیش‌برداری کردم. مرحله سوم، مطالعه و نقد اطلاعات جمع‌آوری شده، همراه با مقایسه تطبیقی منابع.

در آغاز، بر خواندن کتابهای سیره، تراجم، طبقات و اسامی صحابه تمرکز داشتم؛ زیرا شناخت رفتار افراد و اعمال آنان سرمایه بزرگی برای شناخت ماهیت جامعه است. افزون بر این، کتابهای تاریخ عمومی، تاریخ شهرها و جغرافیای مناطق را نیز مطالعه کردم. در کنار آن از مراجعه به قرآن کریم، که مهم‌ترین و مطمئن‌ترین منبع اسلامی در امور عقیدتی و زندگی است، غافل نشدم. همچنین، به کتابهای فقه، حدیث، تفسیر و ... مراجعه کردم که خواندن آنها در شناخت محدوده بحث و سیر آن بسیار هدایتگر و بصیرت‌دهنده بود.

افزون بر بهره‌هایی که از کتابخانه ساده خویش در زمینه برخی منابع، مأخذ و نشریات برده‌ام، آنچه به بررسی کتابهای مذکور کمک کرد، مراجعه مکرر من به بسیاری از کتابخانه‌ها بود، از جمله کتابخانه مرکزی دانشگاه ریاض و بخش نسخه‌های خطی آن، کتابخانه دانشکده ادبیات، برخی کتابخانه‌های عمومی شهر ریاض، مثل کتابخانه سعودیه و کتابخانه ملی. مراجعه من به کتابخانه‌ها تنها محدود به کتابخانه‌های ریاض نشد، بلکه به کتابخانه‌های مدینه و مکه نیز مراجعه کردم. در کنار بازدیدهای خارج از حجاز، به کتابخانه‌های عراق، مصر، ترکیه و بریتانیا رفتم....

شکر خدا در این راه به اطلاعات خوب و رضایت‌بخشی دست‌یافتیم که به من توانایی کار و آغاز نگارش داد، به گونه‌ای که بر این اساس، نظریات و تصوراتی که درباره موضوع و

صورت پایانی بحث از نظر عنوان، موضوع و روش در ذهن داشتم، پی‌ریزی کردم. از نظر عنوان، نام جامعه مدینه منوره و نظام سیاسی و اجتماعی قبایل در عهد رسول خدا(ص) را برگزیدم. و از نظر موضوع، میزان اصالت پی‌ریزی محله‌های مدینه و تنظیم قبایل آن در عصر نبوی را برای بررسی انتخاب کردم. همچنین، ضمن پرداختن به جامعه مدینه، برخی عاداتها، آداب و رسوم و نیز ماهیت و تحول فعالیت اقتصادی و اجتماعی را در نظر داشتم. از مطالب یادشده برمی‌آید که موضوع نوشتار ما، اوضاع و احوال جامعه مدینه در فاصله زمانی هجرت رسول خدا(ص) و اصحاب به یثرب در سال ۶۲۲ میلادی، تا سال وفات آن حضرت در سال ۱۱ هجری / ۶۳۲ میلادی را دربر می‌گیرد. روشن است که این دوره ده ساله، در عصر قانونگذاری و ایجاد دولتها دوره‌ای بسیار کوتاه است؛ از این‌رو، دشواری بررسی این موضوع در آغاز کار برای ما آشکار شد، که بی‌تردید صبر فراوان و کوشش بسیار پژوهشگر برای رسیدن به پیشرفت سریع در پیگیری رخدادهای تاریخی را می‌طلبد. توفیق خداوند و قصد صادفانه برای کار کردن در این موضوع با ارزش، بزرگ‌ترین سرمایه و مشوق ما برای کوشش تا رسیدن به پایان کار بود.

برای کسی که می‌خواهد درباره زمینه‌های سیاسی یا اجتماعی و اقتصادی جامعه آن دوران تحقیق کند، کتابهای طبقات، تراجم و نامهای صحابه مطالب پربار و مفید بسیار دارند. اما خواندن همه کتابهایی که در علم طبقات، تراجم و نام صحابه نگاشته شده، دشوار است؛ از این‌رو، بهترین کار انتخاب یکی از آنهاست که عمیق بررسی شود و شرایط تمایز کتابهای مختص به ذکر نام صحابه، از یکدیگر شناخته شود. بدین جهت، این سخن ابن‌اثیر درباره مؤلفان نام صحابه نصب‌العین قرار گرفت: کسانی که درباره نامهای صحابه کتابهای بسیاری گرد آورده و برخی از آنان بسیاری از نامهای صحابه را در کتابهای انساب و مغازی و... آورده‌اند، اهداف متفاوتی دارند، اما کسانی که اصل و اساس گردآوری نام صحابه به آنان می‌رسد این افرادند: حافظ ابو عبدالله ابن‌منده اصفهانی و حافظ ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی، امام ابو عمر بن عبدالبر و دیگران. پس از این گروه، کسی همچون حافظ ابو موسی محمد بن ابی‌بکر بن ابی عیسی اصفهانی است که آنچه را ابن‌منده در کتابش نیاورده بود، تکمیل کرد و حدود دوسوم کتاب ابن‌منده بر آن افزوده شد. بهتر آن دیدم که کتابی جامع بین این کتابها را در نظر گیرم و موارد نادری که ابوعلی غسانی، بر ابو عمر بن عبدالبر افزوده، به

آن اضافه کنم.^۱

چنان شد که برترین تصنیف را که می توانست پایه بررسی کتابهای نگاشته شده درباره نام صحابه باشد، کتاب ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ هـ / ۱۴۴۹ م)^۲ به نام *الاصابة فی تمییز الصحابه* را یافتم. این کتاب از آثار با ارزش در شناخت احوال صحابه و جامعه مدینه منوره در روزگار رسول خدا(ص) و کامل ترین کتابی است که در این زمینه نوشته شده است. ابن حجر به امانتداری، ثقه بودن و حفظ و شناخت کامل، ذهن نقاد، زیرکی و داشتن علم فراوان در فنون مختلف، معروف است. چنانکه گواهی داده اند وی آگاه ترین افراد عصر خود در علم حدیث بود.^۳

الاصابة فی تمییز الصحابه در چهار جزء نوشته شده^۴ که روش او در نگارش شرح حال زنان و مردان صحابه به ترتیب حروف الفباست. جزء چهارم به کنیه ها و زنان اختصاص دارد. این کتاب کامل تر از کتاب *اسد الغابة فی معرفة الصحابه* نوشته سلف او، یعنی ابن اثیر (م ۶۳۰ هـ / ۱۲۳۸ م) به شمار می رود. ابن حجر عسقلانی با افزودن به مطالب ابن اثیر، شرح حالها را به بیش از سیزده هزار مورد رسانده است.

استفاده من از کتاب *الاصابة* بسیار زیاد بود، به ویژه در زمینه های قانون گذاری و اجتماعی به اطلاعات من افزود. اطلاعاتی که چه بسا پیش از این نیز به ما رسیده بود، یا اینکه ما از آنها آگاه شده بودیم، اما با بی اعتنایی از کنار آن گذشته بودیم. در حالی که آن کتاب در شرح و توصیف جامعه و افراد، مطالب و اطلاعات بسیاری داشت.

مطالبی که درباره ابن حجر و *الاصابة*، به عنوان یکی از تصنیفات با ارزش در شرح حال صحابه گفته شد، باید به طور خلاصه در مورد دیگر منابع و مآخذ نیز که در نگارش این تحقیق به طور کلی از آنها استفاده شده، گفته شود. این منابع و مراجع، به چند دسته تقسیم می شوند:

۱. ابن اثیر، *اسد الغابة*، ج ۱، ص ۴۳.

۲. ابن حجر، همان احمد بن علی بن محمد بن علی بن احمد، ملقب به استاد امام الاثمه ابوالفضل الکنانی العسقلانی المصری و قاهری شافعی است که در سال ۷۷۳ هـ در مصر متولد شد و در آنجا رشد یافت و نزد بسیاری از بزرگان در علم قرائت، حدیث و علوم مربوط به آن و حفظ متون و ادب، درس آموخت (ر.ک، سخاوی، *الضوء اللامع*، ج ۲، ص ۳۶-۳۷).

۳. همان، ج ۲، ص ۴۰.

۴. *مطبعة السعادة*، ط ۱، قاهره، ۱۳۲۸ هـ در حاشیه آن، کتاب *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب* نوشته ابن عبدالبر (متوفی ۴۶۳ هـ / ۱۰۷۰ م) است. چاپی غیر از چاپی که ما به آن رجوع کردیم، وجود دارد که ۸ جزء است (*مطبعة السعادة*، مصر، ۱۳۲۳-۱۳۲۵ هـ) و جزء هشتم آن به اسامی زنان صحابی اختصاص دارد.

نخستین دسته، کتابهای سیره، طبقات و نامهای صحابه است و در رأس این مجموعه، کتاب *سیره النبی* (ص) نوشته ابن اسحاق (م ۱۵۱ هـ / ۷۶۲ م)، با تهذیب عبدالملک بن هشام (م ۲۱۸ هـ / ۸۳۳ م)^۱ و قدیمی‌ترین اثر از آثار علمای مسلمان به شمار می‌آید که به دست ما رسیده است. ابن اسحاق نیز از نخستین کسانی است که مغازی پیامبر (ص) را گرد آورده‌اند.^۲ در مورد او گفته‌اند: تا زمانی که محمد بن اسحاق زنده بود، پیوسته علم در میان مردم بود. او در علم حدیث نزد بیشتر عالمان شناخته شده بود، اما در مغازی و سیره، استادی او نباید مورد غفلت واقع شود.^۳ مراجعه من به سیره ابن اسحاق برای نگارش این رساله، یکی در زمینه‌سازیهای مرتبط با هجرت به مدینه و به دنبال آن، مسئله بیعت کبرا بود که میان پیامبر (ص) و اهالی یثرب (اوس و خزرج) انجام شد و دیگر در امور مربوط به حرکت سربه‌ها، جنگها و عهدنامه‌های عصر نبوی بود. همچنین به کتاب واقدی (م ۲۰۷ هـ) معروف به مغازی رسول الله نیز مراجعه کردم. واقدی به راستگویی و ثقه بودن معروف است.^۴ کتاب او در زمینه‌هایی که او بدان علاقه داشت، همچون تاریخ سیاسی و نظامی و برخی امور اجتماعی، همچون ماهیت مشارکت اجتماعی و سطح معیشت در مدینه به من کمک کرد. کتاب *الطبقات الکبری*، نوشته ابن سعد (م ۲۳۰ هـ / ۸۴۵ م) به دلیل اطلاعات بسیار خوب به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و همچنین در وضع اجتماعی و طریقه معیشت در عصر نبوی، دیگر مدرسان من بود. *الطبقات الکبری* از موثق‌ترین کتابهای نوشته شده در این علم به شمار می‌آید. چنانکه کتاب ابن قدامة (م ۶۲۰ هـ)، *الاستبصار فی نسب الصحابة من الانصار*، از کتابهای با ارزشی شمرده می‌شود که اطلاعات کاملی در مورد دو قبیله اوس و خزرج، انسابشان، پذیرفتن اسلام از سوی آنان و نقش عظیمشان در حمایت از دعوت اسلامی و برپا داشتن دولت هجرت در مدینه دارد. من به سبب رغبت به استفاده از حواشی کتاب، از نسخه خطی آن استفاده کردم.^۵ افزون بر آن، در این زمینه به کتابهای متعددی مثل کتاب *الاستیعاب فی اسماء الاصحاب* نوشته ابن عبدالبر (م ۴۶۳ هـ / ۱۰۷۰ م)، و کتاب *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، اثر ابن اثیر (م ۶۳۰ هـ / ۱۲۳۸ م)، و کتاب *السيرة النبویه* نوشته ابن کثیر (م ۷۷۴ هـ / ۱۳۷۳ م) و کتاب *سیر اعلام النبلاء* نوشته ذهبی (م ۷۸۴ هـ / ۱۳۴۸ م) و نیز کتابهای دیگر مراجعه کردم که نام آنها را در پایان بحث خواهم آورد.

۱. ر.ک: ابن اسحاق، *السیره*، ج ۱، ص ۱۰-۱۱، مقدمه محقق محمد محیی‌الدین عبدالحمید.

۲. همان، ج ۱، ص ۹. ۳. قنوجی، *التاج المکمل*، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۴. همان، ص ۱۲۳.

۵. ر.ک: نسخه چاپ شده، تحقیق علی نویهض، بیروت، ۱۹۷۱ م.

مجموعه دوم از منابع مورد استناد و استفاده، کتابهای فقه، حدیث و تفسیر است که به دلیل گزارشهای بسیار دقیق و مفید به من کمک کرد، به ویژه در شناخت اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی مدینه اطلاعات دقیق و خاص زیادی درباره مسائل و امور جاری جامعه مدینه در عهد پیامبر(ص) داشت. در رأس این دسته، کتابهای برجسته‌ای قرار دارد که برای نخستین بار در این زمینه نگاشته یا تصحیح شده است؛ کتابهایی از قبیل کتاب الموطأ نوشته مالک بن انس (م ۱۷۹ هـ / ۷۹۵ م) و صحیح بخاری (م ۲۵۶ هـ / ۸۷۰ م) و صحیح مسلم (م ۲۶۱ هـ) و تفسیر جامع البیان عن تاویل آی القرآن طبری (م ۳۱۰ هـ / ۹۲۳ م) و کتابهای دیگری در باب سنت، حدیث و فقه.

مجموعه سوم منابع و مراجع، کتابهای تاریخ عمومی است؛ از قبیل کتاب طبری (م ۳۱۰ هـ / ۹۲۳ م) به نام تاریخ طبری استفاده ویژه من از این کتاب، نوشته‌هایش در مورد سیره رسول خدا(ص) است که از موثق‌ترین کتابهای نگاشته شده در سیره پیامبر به شمار می‌آید. در کنار آن کتاب الکامل فی التاریخ ابن اثیر و کتاب البدایة و النهایة فی التاریخ ابن کثیر و کتاب ابن خلدون (م ۸۰۸ هـ / ۱۴۰۵ م) معروف به تاریخ ابن خلدون است. همچنین کتابهای دیگری که نام آنها را در فهرست منابع و مآخذ خواهم آورد. استفاده من از مجموعه یادشده، به طور عام، مراجعه به آنها بود. مراجعه یا برای مقایسه متون و شناخت نحوه استخراج مطالب، یا برای تفسیر امور غامض یا برای شرح و بسط امور مجمل و خلاصه.

مجموعه چهارم؛ ماهیت این بحث، مراجعه کردن به بسیاری از کتابهای مرتبط به علوم و فنون مختلفی را می‌طلبد که در این دسته به نام «اطلاعات عمومی» قرار دارد؛ علوم همچون: انساب، لغات، فنون، طب، آثار، وثائق، احکام و... که به آنها اشاره خواهیم کرد. شاید بارزترین نمونه افرادی که در این شاخه‌ها کار کرده‌اند، افراد ذیل باشند: بلاذری (م ۲۷۹ هـ / ۸۹۲ م) در کتاب انساب الاشراف، ابن حزم (م ۴۵۶ هـ / ۱۰۶۴ م) در کتاب جمهرة انساب العرب، ابن درید (م ۳۲۱ هـ / ۹۳۳ م) در کتاب الاشتقاق، ابن منظور (م ۷۱۱ هـ / ۱۳۱۱ م) در کتاب لسان العرب المحیط، ابن جلیجل (زنده تا سال ۳۸۴ هـ) در کتاب طبقات الاطباء و الحكماء و افراد دیگری که در فهرست منابع خواهد آمد.

مجموعه پنجم کتابهایی است که از تاریخ شهرها، به وجود آمدن محله‌ها و جغرافیای شهرها سخن می‌گوید. با اشتیاق زیادی که به مطالعه آنها و استفاده از گزارشهای آنها داشتم، دریافتم که آنها به موضوع بحث ما ارتباط بسیار زیادی دارد. از جمله این کتابها، تصنیفاتی

است که اختصاص به تاریخ مدینه منوره دارد؛ از قبیل کتاب اخبار مدینه الرسول معروف به الدرّة الثمینه فی اخبار المدینه نوشته ابن النجار (م ۶۴۷هـ) و کتاب التعریف بما انت الهجره من معالم دارالهجرة نوشته مطری (م ۷۴۱هـ) و کتاب تاریخ هجرة المختار نوشته مرجانی (م ۷۸۱هـ) و کتاب وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی نوشته سمهودی. افزون بر آن، اشتیاق زیادی در مراجعه به کتابهای خطی قدیم و جدید داشتیم، برای مثال کتاب المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار نوشته مقریزی (م ۸۴۵هـ / ۱۴۴۱م) که در کار مقایسه محله‌های شهرها برایم مفید بود. علاوه بر آن چند کتاب جدید درباره محله‌ها وجود داشت مثل کتاب خطط الکوفه و شرح خریطتها نوشته لویی ماسنیون مستشرق. در رأس کتابهای جغرافیای شهرها، کتاب المسالك و الممالک نوشته اصطخری (متوفی نیمه قرن چهارم هجری) و نیز کتاب معجم البلدان نوشته یاقوت حموی (م ۶۲۶هـ / ۱۲۲۸م) قرار دارد. در این ردیف کتابهایی قرار دارند که شناخت بیشتر مواضع جغرافیایی جزیره العرب را، که در میان بحث آمده، همراه با مقایسه نامها در آن زمان برایم امکان‌پذیر کرد. در پایان بحث در فهرست منابع و مآخذ، نام کتابهایی را که در تاریخ مدینه منوره، محله‌های آن و موارد دیگر و چیزهایی که به موضوع از نظر محله‌ها و جغرافیا ارتباط دارد، مطالعه خواهیم کرد.

مجموعه ششم کتابهای فرهنگ، دیوان شاعران و برخی مجلات علمی معتبر است که مجموعه پایانی این سلسله از منابع و مراجع است و من در نگارش این بحث بر آنها تکیه کردم.

درباره طراحی و شکل کار، پس از انتخاب موضوع، هیچ‌یک از منابع مکتوب، فروگذاشته نشد. با این همه نخواستیم حقیقت را بپوشانیم و مطالب را تنها موافق با رأی و نظر خود بیاوریم، به این دلیل پیش از آنکه به موضوع پرداخته و مواد آن جمع شود، خود را مقید به طرح تحقیق کردم و تحقیق - در حقیقت مواد جمع شده - به سه باب تقسیم شد. هر باب شامل چند موضوع بود که بر حسب نگارش تحقیق و ارتباط با موضوعات دیگر در چندین فصل نوشته شد.

باب نخست، به ذکر گروه‌های ساکن در مدینه در عهد پیامبر (ص) اختصاص یافته است، و در سه فصل است.

فصل اول، با عنوان بررسی‌های زمینه‌ای شامل دو بخش است: بخش یکم، پژوهش مختصری درباره جغرافیای تاریخی مدینه با اشاره به نامهای قدیم و اسلامی آن است. بخش

دوم در مورد اهمیت جایگاه اقتصادی مدینه میان شمال و جنوب است. بهتر آن دیدم که آغاز مطلب با این فصل باشد تا ذهن خواننده آماده شود و اطلاعاتی درباره مسائل جغرافیایی، اقتصادی و توپوگرافی مدینه و نقش آن در جذب و طرد مردم ساکن در شهر در اعصار مختلف به دست آورد. در بخش یکم این فصل، خواننده درباره موقعیت جغرافیایی مدینه در جزیره العرب و همچنین درباره پستی و بلندیها، ناهمواریها و نوع خاک آن، که آتشفشانی و گدازه است، اطلاعاتی خواهد یافت. در این بخش از ذکر نامهای قدیمی و اسلامی مدینه غفلت نشده است، زیرا نامها به اهمیت جغرافیایی، تاریخی و اقتصادی شهر اشاره می کنند که بر بالندگی منطقه مدینه تأکید دارند و آن هنگامی است که می بینیم نامهایی که در قدیم مصطلح بوده، تا دوره های معاصر نیز وجود دارد. در بخش دوم علاقه مند بودم که به اهمیت موقعیت اقتصادی مدینه به عنوان ایستگاه و پایانه ای تجاری در مرکز غرب جزیره العرب توجه شود. این راه پیش از اسلام میان جنوب، شمال و شرق ارتباط برقرار می کرد. علاوه بر آن علاقه مند بودم که به فعالیت ساکنان در امور تولیدی که بیشتر بر زراعت و به ویژه نخلداری، متمرکز بود، اشاره کنم که مدینه به زراعت و کاشت آن مشهور بود.

فصل دوم، به عناصر ساکن در مدینه پیش و پس از اسلام اختصاص دارد. به این جهت در بخش اول این فصل، به قبایل یهود و حضور آنان در منطقه و ماهیت آن می پردازیم. در حقیقت کوشش شده که به نژاد برخی قبایل یهود اشاره شود و نظریه یهودی شدن برخی قبایل عرب بررسی شود. همچنین از آراء آمار تقریبی تعداد یهودیان غفلت نشده و به وضع اقتصادی و اجتماعی آنان پیش و پس از هجرت پیامبر توجه شده است؛ زیرا معروف است که حضور یهود در مدینه پس از هجرت رسول خدا(ص)، به دلیل برخی اقدامات آنها، چندان دوام نیافت. بدین جهت، ما قصد داریم در خلال بحث، ماهیت خواسته هایشان در برابر اسلام و پیروی از آن را در مدینه بیان کنیم. همچنین این تحقیق به میزان ستیزه و عناد بزرگ آنان در مسئله ایمان به محمد، رسول خدا(ص) با وجود شناخت نشانه های نبوتش که در کتابهای احبار یهود ذکر شده بود، اشاره می کند. سخن از یهود با ذکر برخی عناصر دینی غیر یهودی در مدینه پس از ترک شهر از سوی افراد و قبایل بزرگ یهودی به پایان می رسد. بخش دوم این فصل به دو قبیله اوس و خزرج و هم پیمانان عرب آنها و نیز نسب، شاخه ها و زمان هجرت آنان از یمن به مدینه پرداخته است. در این بخش ماهیت روابط آنان و یهود پس از هجرت روشن شده است. همچنین کوشش شده تا حدودی ماهیت ارتباط

اوس و خزرج با قدرت سیاسی شام و میزان تمکین رومیان از آنها و پیروزی اوس و خزرج در عزل سیاسی کسی که متعرض آنان شده - به امید وارد کردن آنان در رقابت با ایران و هم‌پیمانان یهودی آنان - روشن شود. در این بخش به نقش و پیشگامی اوس و خزرج در یاری رساندن به اسلام و دعوت از رسول خدا(ص) و اصحاب آن حضرت برای هجرت به مدینه و اینکه نزد آنان عزیز و محترم باشند، اشاره می‌شود. از اشاره به وضع منافقان نیز غفلت نشده است، آنها گروه کوچکی - اغلب از اوس و خزرج - بودند که استقرار پیامبر(ص) و مهاجران را در مدینه تهدیدی برای سیادتشان و تعدی به حقوق ملی خود می‌دانستند. در رأس آنان شخصی به نام عبدالله بن ابی بن سلول قرار داشت.

در پایان این فصل، حلیفان عرب انصار ذکر شده است و نام چندین قبیله که به تنهایی هم‌پیمان اوس و خزرج بودند، با ذکر ماهیت و علل هم‌پیمانی آنان آمده است. بخش سوم این فصل، به وضع موالی و بردگان در جامعه مدینه در عصر نبوی اختصاص دارد. این پژوهش همچنین به مهم‌ترین منابع تأمین آنان اشاره می‌کند و از شغل و حرفه و تأثیرشان در جامعه سخن گفته شده است. بخش چهارم، به سخن از دو قبیله قریش و ثقیف اختصاص یافته است، به گونه‌ای که از روابط قدیمی آنان آغاز شده، سپس به اسلام آوردن و چگونگی هجرت آنان به مدینه پرداخته و به جایگاه قریش و ثقیف در اسلام و نقش و مشارکتشان در بیشتر فعالیت‌های اجتماعی اشاره شده است.

بخش پایانی فصل دوم نیز به ذکر دیگر مهاجران از قبایل عرب و نسب آنها اختصاص دارد. سعی شده است آمار تقریبی از تعداد آنان و همه صحابه در مدینه داده شود. افزون بر آن، در این فصل به میانگین تعداد مهاجرت‌ها به مدینه و علل گمراهی برخی مهاجران قبایل و دلیل ماندن آنها در سرزمینشان اشاره می‌شود.

در این بخش، به دلیل فعالیت بیشتر مهاجران در جامعه مدینه، به فعالیت آنان در زمینه‌های عمومی، دینی، علمی، نظامی و... اشاره خواهد شد.

فصل سوم در مورد وضع عمومی ساکنان مدینه پس از هجرت است. بخش نخست این فصل به زمینه‌های اجتماعی عمومی می‌پردازد، از جمله آنکه: دعوت به هجرت، هنگامی که به آن فراخوانده می‌شوند، عملی لازم و ضروری برای ایجاد یک جامعه شهری کامل و قادر بر حمایت از دین و تبلیغ آن برای جهانیان است، یا مانند آمادگی روحی و سیاسی مسلمانان، که قادر به حمایت از اسلام و نشر آن باشند.

همچنین این پژوهش به دلیل زیاد بودن قبایل مدینه و اختلاف نژادها، به مسائل اجتماعی دیگری مانند مسئله سازگاری در مدینه - اعم از سازگاری با آب و هوا، یا سازگاری با آداب و رسوم جامعه جدید - پرداخته است. رویارویی با مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از هجرت، مثل افزایش تعداد ساکنان و به دست آوردن سطح معیشتی نیز مورد نظر بوده است. در بخش دوم به روابط اجتماعی ساکنان مدینه و روابط خویشاوندی میان قریش و انصار و نیز قریش با سایر قبایل مهاجر بحث شده و به روابط اجتماعی انصار و سایر مهاجران توجه شده است. در پایان نیز به مجالس و انجمنهای عمومی که مراکز اجتماعی و سیاسی برای همفکری و مشورت، یا برای آسودگی مردم بودند اشاره می شود.

باب دوم به ذکر قانونگذاری سیاسی، اجتماعی و اداری قبایل اختصاص دارد. پژوهش در مورد قانونگذاریها با مشکلات بزرگی همراه است، شاید یکی از مهم ترین مشکلات، ماهیت تطبیقی برخی قوانین است که باعث می شود معتقد شویم که هدف قانونگذاریها، اجبار مردم به تطبیق با قانون نبود، بلکه به اندازه ای بود که قبایل را به آن عادت داده و رغبت مردم به رفتار در چهارچوب اسلامی و سلوکی متعادل و همگانی جلب کند. متون صریحی وجود ندارد که بتوان آنها را نامه های مکتوب مرتبط به قانونگذاری های اداری، سیاسی و اجتماعی مدینه در عصر نبوی دانست. بدین جهت، در بحث قوانین، تکیه ما بر تحلیل متون تاریخی است که به طور کلی جامعه مدینه در عصر نبوی را دربرمی گرفت. با اشتیاق بسیار به قرآن کریم، احادیث پیامبر و نیز کتابهای تفسیر و فقه مراجعه شد تا معلوماتی که در این زمینه وجود دارد استخراج شود. محقق بسیار مشتاق بود تا شواهد و وقایع تاریخی مربوط به موضوع را تا حد امکان با دلیل و برهان ارائه دهد و در این زمینه از تحمیل معنای تاریخی و لغوی بر نصوصی که آن معانی را بر نمی تافت اجتناب شد.

باب تنظیمات به دو فصل تقسیم شده است. فصل نخست به ذکر مراحل عمومی تنظیم قبایل اختصاص دارد که سه مرحله است: مرحله اول تنظیم عشیره ای است، که با شکل گیری جامعه اسلامی، اهمیت پیروی از آن تنظیم ضروری بود که به آن اشاره شده و برخی اهداف و وظایف آن بیان گردیده است. این تنظیم با مشارکت دادن قبایل در ایجاد حکومت و مؤسسات ویژه آن در رأس و سپس در همه زمینه های اجتماعی، دینی، نظامی و دیگر زمینه ها آغاز می شود. چنانکه به اداره داخلی تنظیم عشیره ای و اهمیت آن در تقویت

کیان جامعه اشاره شد، به ریاست نظام عشیره‌ای و اهمیت کار نقیب در جامعه مدینه به طور عام اشاره شده است.

مرحله دوم تنظیم اجتماعی است که مرحله بعد از مرحله تنظیم عشیره‌ای شناخته می‌شود، اما در واقع با مرحله اول و با مرحله سوم، یعنی تنظیم براساس حبّ وطن یا سرزمین، مرتبط است. چنانکه در خلال بحث خواهیم دید، این مرحله به معنای هر نظامی که از خلال اتفاقات جامعه مدینه ظهور یابد، ضرورتاً به معنای برتر و از بین برنده وضع پیش از خود نیست، تا بکوشد با شناخت مزایای این تنظیمها و عادت دادن قبایل به آنها و تطبیق با آن شرایط فراهم شود. این بدان معناست که چه بسا رفتاری مطابق نظام عشیره‌ای بیایم که در مقطعی رخ دهد که گمان می‌رود مرحله نظام اجتماعی است، یا به عکس آن. این نوشته در خلال بحث در تنظیم اجتماعی به مهم‌ترین ابزارها و وظایف این تنظیم پرداخته، که از جمله آنها تأسیس مسجد جامع در مرکز مدینه است. این مسجد که مسجد مدینه خوانده می‌شد، از دیگر مساجد متناسب به قبایل، طوایف یا عشیره‌ها، متمایز بود. همچنین به ابزار دیگری در تنظیم اجتماعی که «برادری خاص» میان مسلمانان است اشاره می‌شود. بدین سبب، از ظهور، چگونگی عقد، استمرار، اهداف آن و اساسی که این پیمان بر آن بنا شده، بحث خواهد شد. همچنین در این بحث به تنظیم پیوند خویشاوندی اشاره می‌شود که بر جمع آوردن تعدادی از قبایل و عشیره‌های متناسب به قبیله‌ای واحد و تحت یک پرچم متکی بود. این نیز از ابزاری دیگر برای پیوند میان همه مسلمانان است، که به وحدت عمومی قبایل در تنظیم نظامی و اجتماعی تحت یک پرچم اهتمام دارد.

مرحله پایانی این فصل به تنظیم سیاسی، اداری و اجتماعی قبایل براساس عصبیت وطن یا سرزمین اختصاص دارد که مرحله نهایی و تکامل یافته در تنظیمات است. پژوهش در اینجا بر نقش تنظیم در عادت دادن قبایل به دوری تدریجی از عصبیت قبیله‌ای تأکید دارد، که از بنیانهای قوی و حکیمانه‌ای از قبیل اشتیاق برانتساب قبایل به وطنشان و تعیین والی بر قبیله، و برخی شهرها و نواحی که تعدادی قبیله و عشیره مختلف در آن جمع شده بودند، پیروی می‌کند.

فصل دوم باب تنظیمات به موضوع محله‌ها و ساختار شهر مدینه و جایگاه قبایل در آن در عصر نبوی اختصاص دارد. این فصل به چهار بخش اصلی تقسیم می‌شود: بخش نخست به آبادی محل مدینه پیش از هجرت و ذکر محله‌های انصار اختصاص

دارد و به بررسی تاریخ تجمع مردم در مدینه از گذشته‌های دور تا ظهور اسلام می‌پردازد. سپس به طور تفصیلی به ذکر محله‌های انصار و کسانی از یهود که هنگام هجرت پیامبر(ص) به مدینه با آنها ساکن بودند، می‌پردازد. پس از آن به ذکر عواملی می‌پردازد که باعث شد گروه‌هایی از ساکنان، در منطقه‌ای از مدینه بیش از دیگر جاها سکونت کنند.

بخش دوم پژوهش به دلایل انتخاب جایگاه مدینه و محله‌های آن می‌پردازد و همراه آن به عوامل دیگری اشاره می‌شود که سبب شد رسول خدا(ص) و مسلمانان درون مدینه یا وسط آن را به عنوان هسته اصلی برای ساختن مسجد و سکونت دادن مهاجران و گروه‌هایی از انصار انتخاب کنند.

بخش سوم پژوهش به بررسی تحول ساختار مدینه و سکونت مهاجران، با اشاره به مساحت شهر و توسعه محله‌های مهاجران اختصاص دارد.

بخش چهارم نیز به ذکر آثار پی‌ریزی محله‌های مدینه بر دیگر شهرهای اسلامی می‌پردازد. همچنین از وجوه تشابه و اختلاف تخطيط مدینه و برخی شهرهای اسلامی که بعد از فتوحات پی‌ریزی شد، یاد شده است. همچنین میزان و سطح تأثیر تخطيط مدینه بر قوانین و ساختار محله‌های آن شهرها روشن شده است.

باب سوم که بحث پایانی است، به مظاهر زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در عصر نبوی در جامعه مدینه اختصاص دارد. این باب به سه فصل تقسیم می‌شود. فصل نخست به مظاهر زندگی اجتماعی اختصاص دارد که طی آن وضع معیشت مردم، با اشاره مختصری به اهل صُفّه (مسلمانان فقیر) و پس از آن منازل هیئتهای اعزامی بررسی می‌شود. کوشش شده است تا وضع عمومی اقتصادی ساکنان مدینه نیز روشن شود. در کنار آن به حدود نوسان وضع و سطح معیشت در بیشتر سالهای پس از هجرت اشاره شده که پس از فتح خیبر و تبوک، به ویژه پس از فتح مکه، وضعیت عمومی استقرار یافت. همراه این بحث به موضوع صُفّه، که اقامتگاهی در انتهای مسجد بود و فقیران اغلب بدانجا پناه می‌بردند، پرداخته‌ایم. کارکرد اجتماعی مسجد دارای اهمیت بود؛ زیرا هدف آن کمک به بیچارگان، فقیران و در راه‌ماندگان برای کاهش مشکلات آنان بود. همچنین در این بررسی، از منازل وفود یا مهمانان پیامبر(ص)، که در مدینه نزد او می‌آمدند بحث می‌شود. در این فصل به پدیده بهره‌گیری مردم مدینه از بردگان و موالی در بیشتر کارها اشاره می‌شود. چه بسا مهم‌ترین نتیجه آن روی آوردن بیشتر مسلمانان به جهاد و نشر اسلام بود که وجود بردگان ضرورت اجتماعی یافت. در این پژوهش، به نوع این بردگان و نیز کارهایی که در مدینه انجام دادند، اشاره می‌شود.

فصل دوم به وضع اقتصادی از جمله: زراعت، تجارت و حرفه‌ها و شغل‌های عمومی اختصاص دارد. در مورد زراعت، به اهمیت زراعی مدینه پرداخته شده است که ناشی از وجود خاک‌های آتشفشانی و حاصلخیز به همراه افراد ماهر در امر زراعت بود. همچنین به گسترش زراعت پس از هجرت و نقش مهاجران در آن بررسی شده است. سپس به برخی محصولات زراعی مدینه و بیان اهمیت آن در افزایش غذای ساکنان و تأثیر آن در دیگر جنبه‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی پرداخته شده است.

در خصوص تجارت، مدینه دارای فعالیت تجاری حساسی در جاهلیت و اسلام بود. این فعالیت تجاری به این دلیل بود که مدینه چندین بازار تجاری برای مبادله انواع کالاهای تجاری داشت. مهم‌ترین این بازارها و قوانین آن، کالاهایی که از خارج به آن وارد می‌شد، حجم مبادلات خارجی، اساس تعامل تجاری میان ساکنان، انواع سکه‌ها، اوزان و مقیاس‌های معروف، از بحث‌های این فصل است.

در مورد شغل‌ها و حرفه‌های عمومی، که آخرین بخش فصل دوم است، با وجود اشتغال بیشتر ساکنان اصلی شهر به کشاورزی و تجارت، گروهی، از جمله موالی، به انواع حرفه‌ها و صنایع عمومی می‌پرداختند که در کنار توجه به کشاورزی و تجارت صورت می‌گرفت. در فصل سوم که فصل پایانی است، بهتر آن دیدیم که در چهارچوبی جامع و کافی، گوشه‌هایی از حیات عمومی جامعه مدینه به‌ویژه در بخش‌های علمی، فرهنگی، ارائه شود تا در ارائه تصویری واضح و کامل از مدینه - که موضوع تحقیق است - به خواننده کمک کند. در پایان از خداوند متعال می‌خواهم که این کوشش فروتنانه در نگارش تاریخ اسلام، باب خیری برای عرضه امثال این پژوهش و پیشرفته‌ها به دست دانشجویان و خادمان علم در مؤسسات دانشگاهی و علمی باشد. و خداوند تأییدکننده و هدایت‌کننده به راه درست است.

ریاض، ربیع الاول، ۱۳۹۹ق.

عبدالله عبدالعزیز بن ادريس

باب اول

گروههای ساکن در مدینهٔ منوره

در عصر نبوی

فصل اول:

بررسی‌های زمینه‌ای

فصل دوم:

گروههای ساکن در مدینه پیش از اسلام و پس از آن

فصل سوم:

وضع عمومی ساکنان مدینه پس از هجرت

فصل اول

بررسی‌های زمینه‌ای

۱. جغرافیای تاریخی مدینه و اشاره به نامهای آن

پس از اینکه آزار قریشیان و مقاومت آنان در برابر نشر اسلام در مکه به اوج رسید، پیامبر(ص) تصمیم گرفت با اصحاب خود به یثرب مهاجرت کند، از این رو به آنان فرمود: [در خواب] خانه هجرت شما را در سرزمینی دارای نخل، میان دو لابت (سنگلاخ) دیدم.^۱ یا فرمود: در خواب دیدم که من از مکه به سرزمینی دارای نخل، مهاجرت می‌کنم؛ گمان کردم که آن یمامه یا حجر است، اما آن، شهر یثرب است.^۲ گفتنی است که مدینه به دلیل حرّه‌ها و نخلستانهای انبوهش از قدیم میان عرب مشهور بود^۳ و شایستگی آن را داشت که مرکز اسلام قرار گیرد، از این رو، پیامبر(ص) نام آن را میان

۱. ابن کثیر، السیرة النبویه، ج ۲، ص ۲۱۳.

۲. ابن کثیر، همان؛ دیاربکری، تاریخ الخميس، ص ۳۲۰. یمامه، منطقه وسیعی در نجد در میانه جزیره العرب و شامل منطقه حجر (ریاض کنونی)، سهبا، سیح الکبیر، خرج، نساح، عارض و رودهای نعام و دیگر نواحی است. یمامه دارای دژهای پراکنده و نخل و باغ‌داری و کشت و زرع است. مشهورترین قبایل آن بنی حنیفه و بنی تمیم هستند. سرزمینهای آنها دارای نخلستان، روستاها، کشتزار و چاه است. (ر.ک: همدانی، صفة جزیره العرب، ص ۲۷۹-۲۸۵).

حجر، شهر بحرین یعنی منطقه ساحل شرقی جزیره العرب، همان بازار بنی محارب از بنی عبدالقیس بود. منازل آن از روستاهای بحرین است. قطیف از روستاهای آن و دارای نخلستان و روستای مهم و ساحلی است. عقیق روستای دیگر، پایین‌تر از آن است که آن نیز ساحلی است و روستایی پایین قطیف و دارای نخل است. نباح سرزمینی که روستاهای زیاد دارد و به آن نباح بنی عامر گفته می‌شود که دارای چشمه‌های پر آب، نخلستان و کشتزار است. (ر.ک، همدانی، صفة جزیره العرب، ص ۲۷۹-۲۸۰).

۳. عینی، عقد العمان، ج ۱، ص ۳۲ (کتابخانه طبقو در استانبول)؛ حتی، تاریخ العرب، ج ۱، ص ۱۴۶.

چند شهر عربی زراعی قرار داد.^۱

مدینه به عنوان یکی از شهرهای حجاز، شایسته بررسی است.^۲ برخی جغرافیدانان عرب آن را یکی از بخشهای اصلی جزیره العرب دانسته و گفته‌اند: جزیره العرب، شامل مدینه، مکه، یمامه و یمن است.^۳ از گذشته‌های دور، قبایل عرب، از جمله عمالیق، در مدینه سکونت داشتند.^۴ پس از آن برخی قبایل یهودی، عرب و دیگران از جمله کسانی که به

۱. از طلحة بن عبیدالله تیمی روایت شده که او در بازار بصری بود، که از راهبی در صومعه‌اش بشارت ظهور محمد رسول (ص) را شنید، که او به سرزمینی دارای نخل، حره و شوره‌زار مهاجرت خواهد کرد. (ر.ک: ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۱۴-۲۱۵).

۲. حتی، تاریخ العرب، ج ۱، ص ۱۴۳. حجاز به آن دلیل حجاز نامیده شد که میان تهامه، که دشتهای پست بر ساحل دریای احمر است و ارتفاعات نجد شرقی حائل و مانع شده است (ر.ک: یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۱۸-۲۲۰، ماده حجاز؛ همدانی، مختصر البلدان، ص ۲۶-۲۷).

جغرافیدانان عرب در تعریف حجاز و محدوده آن اختلاف بسیار دارند. با این همه تقریباً اتفاق نظر دارند که حجاز همان کوه سراه است که از مرز یمن تا بادیه الشام کشیده شده است و میان تهامه و نجد مانع ایجاد می‌کند (ر.ک: وهیبی، عبدالله، «الحجاز كما حدده الجغرافيون العرب»، مجله کلیة الاداب، سال اول، ۱۳۹۰هـ / ۱۹۷۰م، ص ۵۳-۷۰).

۳. بکری، معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۵.

۴. عمالیق، به عملاق بن ارفخشذ بن سام بن نوح نسب می‌برند. بیان شده که عمالیق نخستین کسانی بودند که در مدینه کشت و زرع کردند، نخل کاشتند، خانه‌ها یا اطم و یا قلعه‌هایی به وجود آوردند و باغداری کردند. (ر.ک: سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۱۵۷) اطم: مفرد آن اطم، ساختمانی از سنگ است (ر.ک: عدوی: أحوال مکتة المشرفة و...، ج ۲، ص ۱۱۲) گفته می‌شود که آن از واژه «اتطم» گرفته شده است. چون مرتفع می‌شود و بالا می‌رود، در حالی که ولفنسون مورخ یهودی می‌گوید در عبری برای فعل اطم معانی دیگری وجود دارد. گفته می‌شود اطم عینی: (یعنی آن را پوشاند) و اطم اذنی: (یعنی گوشها را گرفت) و اطم فی الجدار و الحيطان (یعنی پنجره‌هایی که از خارج بسته‌اند و از داخل باز می‌شود) (ر.ک: ولفنسون، تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیة و صدر الاسلام، ص ۱۱۷). بهتر است به مطالب یادشده افزود که در عرف مردم عامه اهل نجد، فعل اطم به معنی سقف به کار می‌رود. خانه به هنگام ساختن مسقف می‌شود. همچنین معنی پوشاندن چاه با سنگ بزرگ را می‌دهد و معنای فعل امر از یطم استنباط می‌شود، گفته می‌شود: اطم به معنی ساکت باش - به ستم - و از مثال آنها: (علی طمام المرحوم) یعنی بر عهد او و روزگارش. در اساس البلاغة «طم الوادی طموما»: بالا رفت و غلبه یافت. و «طم البشر»: به خاک انباشت آن را. «طم شعره» با تیغ تراشید. (ر.ک: الزمخشری، اساس البلاغة، ص ۳۹۶). ملاحظه می‌شود که لفظ اطم در قرآن به کار برده نشده است (ر.ک: مدنی، عبید، «اطوم المدینة»، مجله کلیة الاداب، دانشگاه ریاض، ج ۳، سال سوم، ۱۳۹۳. ۱۳۹۴هـ) اما به واژه «حصون» در قرآن در مورد بنی قریظه و بنی نضیر اشاره شده است: «وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُّانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ» (حشر، ۲). همچنین به لفظ صیاصی از طرف خداوند متعال اشاره می‌کند: «وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَنُّوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ» (احزاب، ۲۶). گفته می‌شود که فقط مدینه دارای اطم نبود، بلکه در خیبر، تیماء، طائف، صنعاء و نجران نیز اطم وجود داشت اما ساخته شدن این بناها در زمانهای بسیار قدیم و شکل‌گیری و تکامل آنها نخستین بار در مدینه بوده است. (ر.ک: همان، ص ۲۲۳).

حصون یمامه که به نام «بتل» و مفرد آن «بتیل» معروف است که حصن مربع شکلی مانند صومعه سر به فلک کشیده از خاک است که طول آن ۲۰۰ ذراع در آسمان بود. گفته شده که طول آن در زمان طسم و جدیس که ساکنان

هنگام ظهور اسلام به شکل قبایل بزرگی شناخته می شدند (مانند بنی قینقاع، بنی قریظه و بنی نضیر از یهود و اوس و خزرج از عرب) به آن وارد شدند.^۱ در نقشه پیوست، دیده می شود که مدینه بر گوشه غربی یک شیب، در بخش جلگه ای بزرگ جزیره العرب واقع شده است.^۲ فاصله میان مدینه و ینبع در ساحل دریای احمر^۳ حدود ۲۷۵ کیلومتر و میان مدینه و مکه از سمت جنوب حدود ۵۰۰ کیلومتر است.

مدینه تقریباً در ۴۰ درجه طول شرقی و ۲۵ درجه عرض شمالی^۴ قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا به ۶۳۹ متر می رسد. از نظر توپوگرافی، مدینه در منطقه همواری از زمین برّی و کوهستانی واقع شده^۵ و زمین آن شوره زار است.^۶ ارتفاع بخش جنوبی مدینه بیشتر است و به عالیته شناخته می شود.^۷ بخش شمالی نیز به سافله معروف است.^۸ روستای قباء از

⇒ قدیمی یمامه بودند، ۵۰۰ ذراع بوده است. (ر.ک: همدانی، صفة جزيرة العرب، ص ۲۸۴) آنچه ما را به اصالت عربی فکر بنای اطام راهنمایی می کند، نوشته های مورخان مسلمان است که گفته اند: بنی انیف که از بقایای عمالیک بودند، پیش از یهود در مدینه بودند و طوایفی از بلی و یمن با آنها بودند و اطام و منازل را پیش از یهود ساخته اند (ر.ک: عدوی، احوال مکه المشرفة و...، ج ۲، ص ۱۱۲، یاقوت، معجم البلدان، ج ۵، ص ۸۴، ابن خلدون، تاریخ، چاپ حیابی مصر، ۱۳۵۵ هـ، ج ۱، ص ۴۴).

۱. بلاذری، الانساب الاشراف، ج ۱، ص ۶؛ سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۱۵۶ به بعد؛ علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۳۷.

2. Brita; Ency.vol.15(london.1957)p.206.

۳. نام قدیم دریای احمر، دریای قلزم است. (ر.ک: اصطخری، المسالک و الممالک، ص ۲۰). ینبع: در عبارت از «ینبع الماء» آمده که سمت راست رضوی است. رضوی کوهی نزدیک ینبع است که به مسافت یک روز از آن فاصله دارد و از مدینه حدود ۷ مرحله برای کسی که از مدینه به دریای احمر شبانه از رضوی حرکت می کند فاصله دارد. پیامبر (ص) ینبع را به عمر بن خطاب اقطاع داد. (ر.ک: یاقوت، معجم البلدان، ج ۳، ص ۵۱، ماده رضم، ج ۵، ص ۴۴۹-۴۵۰ ماده ینبع) ینبع از مدینه با مسافتی نزدیک به ۱۵۰ مایل به سمت غرب فاصله دارد. ینبع در حال حاضر و گذشته به ینبع المیناء اطلاق می شود و هرگاه مراد ینبع نخل بود گفته می شد «ینبع النخل». با وجود این نام ینبع در کتابهای پیشینیان به معنای ینبع نخل بوده است، زیرا ینبع المیناء یا (ینبع البحر) که به این نام نیز نامیده شده چندان مشهور نبود. (ر.ک: جاسر، حمد، بلاد ینبع «لمحات تاریخیة، جغرافیة وانطباعات خاصة»، ص ۱۰-۱۲).

۴. Crichton, A; History of Arabia.vol.1, p.86. باید توضیح داد که از نظر خطوط طول و عرض جغرافیایی مدینه بر ۳۹ درجه و ۳۶ دقیقه و یک ثانیه و ۶۱٪ از طول جغرافیایی و ۳۴ درجه و ۲۸ دقیقه و ۵ ثانیه و ۳۵٪ عرض قرار گرفته است (ر.ک: حافظ، علی، فصول من تاریخ المدینه، ص ۱۳). عمر کحاله ذکر کرده است که مدینه بر ۳۹ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی و ۲۴ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی قرار دارد. (ر.ک: جغرافیة شبه جزيرة العرب، ص ۱۷۴).

۵. یعقوبی، البلدان، ص ۷۲.

۶. یاقوت، معجم البلدان، ج ۵، ص ۸۲؛ ماده مدینه؛ عینی، عقد الجمان، ج ۱، ص ۳۲.

۷. سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۱ ص ۱۶۱؛ مطری، التعریف، ص ۸۰.

۸. مطری، التعریف، ص ۸۰.